

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

استعاره و تشبیه در دیوان پژمان بختیاری

امیرعباس عباس زاده^۱ دکتر عبدالعلی اویسی کهخا^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گرایش محض دانشگاه سیستان و بلوچستان و
abaszade00401@gmail.com

۲- هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی استعاره و تشبیه در دیوان پژمان بختیاری می باشد از آنجایی یکی از راههای بسیار مهم برای انتقال احساسات زیبایی شناختی افراد از طریق شعر صورت می گیرد که با ذوق ادبی مردم نیز پیوند دارد در شعر معمولاً برای زیبایی از آرایه هایی استفاده می شود که تشبیه و استعاره از جمله ی آنهاست برای آشنایی با احساسات و آرایه های به کار رفته در شعر هر شاعری ضرورت دارد تا اشعار او مورد بررسی قرار گیرد این امر به دلیل شناخت جنبه های شعری شاعر اهمیت زیادی است. روش تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است و به دنبال پاسخ به این سوال می باشد که تشبیه و استعاره در اشعار پژمان بختیاری از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟ نتایج تحقیق بیانگر این است که شاعر با لحنی ملایم و غمگین دارد گویی این شاعر کاری به تجدد نداشته است به همین دلیل سادگی در تشبیهات و استعاراتی که به کار برده است نیز سادگی دارد و پیچیدگی احساس نمی شود.

کلیدواژه ها:

تشبیه ، استعاره ، پژمان بختیاری.

مقدمه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

صور خیال معیار ارزش و اعتبار هنری اشعار است. از روزگاران کهن تاکنون به اهمیت عنصر خیال در ساختمان شعر نظر داشته‌اند. شاعران همواره از رهگذر خیال، در ذهن خواننده رسوخ می‌کنند. صور خیال حوزه گسترده آرایه‌های تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز را در بر می‌گیرد (امیری و ریاحی زمین، ۱۳۹۸: ۸۴). فرهنگ لغت، استعاره را «به عاریت گرفتن» معنی می‌کند؛ اما نظریه ارسطو درباره استعاره را قدیمی‌ترین تعریف می‌دانند. بنا بر این تعریف استعاره دو پدیده را با هم مقایسه نموده که یکی در معنای صریح و آشکار و دیگری در عبارت استعاری و دور بکار رفته است. استعاره از زیباترین آرایه‌های ادبی بوده و ابزار مهمی در زبان هنری به شمار می‌رود. شفیی کدکنی هم در این راستا می‌گوید که احساسات درونی شاعر که با زبان معمولی قابل بیان نیست بوسیله استعاره بصورت نرم و لطیف بیان می‌شود. بنابراین می‌توان گفت استعاره و تشبیه به‌عنوان نقش مهمی در تصاویر ذهنی و خیالی شاعران دارند (فخیمی فاریابی، ۱۳۹۵: ۱). استعاره در واقع تشبیهی است که یکی از ارکان آن حذف شده باشد. در تشبیه دو طرف را بیان می‌کنیم و با کنار هم قرار دادن آن‌ها شباهتشان را درمی‌یابیم. درحالی‌که در استعاره چنین نیست و با بیان یکی از دو طرف که در معنای مجازی به کار رفته، به معنای طرف دیگر پی می‌بریم. استعاره از تشبیه رساتر و خیال‌انگیزتر و زیباتر است و عواطف مخاطب را برمی‌انگیزاند. شاعران و نویسندگان برای ایجاد تصویرهای زیبا از استعاره که از عناصر اصلی خیال است بهره می‌گیرند. استعاره انواع مختلفی داشته که مهمترین آن‌ها استعاره مکنیه و مصرحه است. اجزای صور خیال به‌خصوص مشبیه به و مستعارمنه با ظرفیت وسیع و نامحدود واژگانی، معنایی، هنری و ادبی، نقشی کلیدی در ساختار تشبیه و استعاره دارند (امیری و ریاحی زمین، ۱۳۹۸: ۱). شاعر برای ابلاغ و بیان مفاهیم ذهنی خویش صورتی برمی‌گزیند و به شیوه‌های مختلف آن را تعبیر می‌کند بی‌گمان ذهن شاعر که از محسوسات مختلف تلقین و تألیفی به عمل می‌آورد و در ادای معانی آن مدد می‌جوید تحت تاثیر محیط و مشهودات خویش است و هنر هر سرزمین زمانی می‌تواند بومی باشد که بوی آب‌وخاک و عواطف سرزمین خود بدهد (کشاورزی، ۱۳۹۰: ۱). حسین پژمان بختیاری ۱۳۵۳-۱۲۷۹ محقق، مترجم و شاعر بزرگ از شاعران سنتگرایی معاصر است؛ فردی آگاه و شعرشناس که به‌واسطه غور در آثار بزرگانی چون رودکی، فرخی، منوچهری، فردوسی، سعدی و حافظ گرایش و تاثیر پذیری وی از این بزرگان در شعرش کاملاً مشهود است. در دوره معاصر نیز می‌توان او را هم‌ارز کسانی چون بدیع‌الزمان فروزان فر، امیری فیروزکوهی، وحید دستجردی، رهی معیری، رعدی آذرخشی و بهار دانست (داود نیا نوری، ۱۳۹۵: ۱). لذا مطالعه اشعار آن شاعر می‌تواند ما را شناخت بیشتری نسبت به سبک شعری و زیبایی‌های شعری آنها برساند از اینرو پژوهش حاضر در راستای معرفی فرهنگ و ادب فارسی و شاعران بنام آن به مطالعه و بررسی تشبیه و استعاره در اشعار پژمان بختیاری پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که تشبیه و استعاره در اشعار پژمان بختیاری از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

زندگی نامه و آثار حسین پژمان بختیاری

حسین پژمان بختیاری، شاعر بزرگ معاصر و محقق و مترجم برجسته در سال ۱۲۷۹ هجری شمسی به دنیا آمد. زادگاه اصلی و سرزمین پدری وی (همچنانکه خود پژمان نوشته) «دشتک بختیاری» است که در ۸۵ کیلومتری مرکز استان چهارمحال بختیاری، در دامنه کوهساران بلند، منتهی به «زردکوه بختیاری» و در کنار سرچشمه‌های اصلی «رود کارون» واقع است. پدرش، «علیمرادخان میرپنج» از سلسله معروف خوانین بختیاری، و از سرداران دوران مشروطه بود که در دشتک سکونت داشت و در اواخر قاجاریه، به منظور تصدی مناصب نظامی به تهران می‌رود و در دستگاه مظفرالدین شاه صاحب عنوان لشگری میرپنج (سرتیپ) می‌شود. وی در دوران مشروطیت به همراه خواهرزاده‌ی خود، علیقلی خان سردار اسعد بختیاری (از سران بزرگ مشروطیت) در مبارزات مشروطه نقش فعالی داشت. علیمرادخان که قبلاً در دشتک ازدواج کرده بود، در زمان اقامت در تهران نیز با دختری جوان از خاندانی مشهور ازدواج می‌کند، که از نوادگان قائم مقام فراهانی (وزیر مشهور دوره‌ی قاجاریه) بود. پژمان ثمره‌ی این ازدواج است. (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۱۵)

مادر پژمان «عالم‌تاج قائم مقامی متخلص به ژاله» از شاعران نامدار اواخر قاجاریه و از سلسله شریف سادات بود که اشعار زیبا و پر خروش وی در باب حقوق زن معروف است. (همان، ۱۶)

پژمان با کوشش در کسب علم و دانش و مطالعات مستمر، به تدریج سرآمد محافل علمی و ادبی می‌شود. آثاری را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه نمود. و در زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ و شعر و ادب نیز آثار فراوانی برجای گذاشت وی با شاعران و استادان بزرگ آن زمان همچون «ملک الشعرا بهار، ایرج میرزا، استاد فروزانفر، جلال الدین همایی، رهی معیری، مهدی اخوان ثالث، استاد شه‌ریار و...» هم‌نشینی و معاشرت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

داشت و در ادبیات ایران جایگاه برجسته ای یافت. اشعار او سرشار از مضامین نو و تعابیر بدیع است. وی ضمن پایبندی به سنت ها و قواعد شعر فارسی از شاعران نواندیش و نوپرداز معاصر به شمار می رود و در تحول شعر معاصر نقش اثرگذاری داشت. (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۴۴)

در زندگی شخصی پژمان به دلیل آوارگی و گرفتاری سالها در تجرد و تنهایی ریست و بعدها در سن میانسالی ازدواج نمود و صاحب دو فرزند دختر و پسر شد. ۳ در دوران پایانی عمر گرفتار بیماری و رنج ناشی از آن می شود که این بیماری رنج آور سالها ادامه می یابد. سر انجام پژمان بختیاری پس از عمری درد و رنج و ناکامی، در روز سوم آذر ماه ۱۳۵۳ در سن ۷۴ سالگی بر اثر بیماری سرطان در تهران درگذشت. او را در قبرستان بهشت زهرا (قطعه هشت) دور از زادگاه پدری، به خاک سپردند. (همان، ۱۷-۱۹)

«پژمان بختیاری نه تنها شاعری نامدار به شمار می آید بلکه محقق، مترجم و نویسندگانی توانا نیز بود که از سال ۱۳۰۵ ه.ش به بعد آثار خود را به رشته تحریر درآورد. پژمان محقق ژرف نگر و نکته سنج بود و کوشش او در تصحیح کتب ادبی نیز مبتنی بر دقت علمی، آمیخته با ذوق ادبی بود. او همچنین نثر را روان، رسا و شاعرانه می نوشت و در حوزه های مختلف دانش و ادب و تاریخ و فرهنگ ایران زمین و ترجمه از زبان فرانسه تسلط فراوان داشت. پژمان در طول حیات پربار خود حدود چهل اثر اعم از «تألیف، ترجمه و تصحیح» بر جای گذاشت. که بسیاری از آنها هنوز منتشر نشده اند و همچنین بیش از پنجاه مقاله یا اثر ادبی در مجلات معتبر آن دوران مانند: «ارمغان، یغما، سخن، وحید، گوهر...» به چاپ رسانده است. دیوان وی نیز که در سال ۱۳۶۸ تنظیم و تدوین گردید حاوی همه اشعار پژمان نیست. بسیاری از اشعار ارزشمند وی در دیوان او نیامده است (بهرامی دشتکی، ۱۳۹۴: ۳۳)

انواع تشبیه در شعر پژمان بختیاری

تشبیه، انواع و اقسام آن در دیوان پژمان بختیاری بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در ادامه به انواع تشبیه در اشعار وی آورده شده لازم به ذکر است تمامی ارجاعات به دیوان پژمان بختیاری چاپ ۱۳۹۱ می باشد.

۱- به اعتبار حسی و عقلی بودن مشبه و مشبه به

۱- هر دو طرف حسی هستند: آن است که دو طرف تشبیه؛ یعنی مشبه و مشبه به، با حواس پنجگانه قابل درک باشد. گروهی این نوع تشبیه را بهتر و برتر دانسته اند در شعر پژمان بختیاری ۲۴۱ بار این تشبیه به کار رفته است:

بوسه بر چهره پر چین من ای دوست مزن
که خجل می کند آئینه روی تو مرا
(بختیاری، ۱۳۹۱: ۵۶)

رو به آئینه

خورشید صفت وقت سحر آمدی اما
کس از تو نپرسد که کجا بوده ای امشب
(همان، ۶۵)

تشبیه حسی به حسی: تو مانند خورشید وقت سحر آمدی
سوزش دل را نسیم آه می داند که چیست
آه را قیمت دل آگاه می داند که چیست
(همان، ۸۷).

آه به نسیم
تا نهال هستی ام از خاک گیتی سر کشید
همچو نرگس عمر کوتاهم به بیماری گذشت
(همان، ۷۴).

گیتی به خاک

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲- **مشبه عقلی مشبه به حسی:** تشبیه عقلی به حسی آن است که یک مفهوم عقلی و ذهنی به یک شیء حسی و عینی تشبیه شود. بسامد این نوع تشبیه در دیوان پژمان ۱۲۷ بار را به خود اختصاص داده است:

زنومیدی من حکایات شیرین
درازست طومار اندوه و ترسم
بگویید آن چشمه آرزو را ...
که آن فتنه کوتاه کند گفتگو را

(همان، ۱۵۱)

آرزو به چشمه و اندوه به طومار
خراش ناخن مرگ است چین بر روی و می بینی
کتاب عمر من نزدیک پایان است و می دانی

(همان، ۱۵۱).

عمر به کتاب

به بزم خودم گرچه راهی ندادی
زیباغ وصالم گیاهی ندادی

(همان، ۱۷۸)

وصال به باغ

۳- **مشبه حسی مشبه به عقلی:** در این نوع تشبیه که به ندرت وجود دارد، شاعر وجه شبه مورد نظرش را ذکر می کند و این نوع تشبیه همواره مفصل است. اگر هم این تشبیه به صورت مجمل بیان شود، یا نمی توان آن را درک کرد یا اینکه فهم آن دقیق نخواهد بود. این نوع تشبیه ۵۵ بار در شعر پژمان بختیاری به کار رفته است.

با تنی چون فکر شاعر بارخی چون فکر کودک
چند ماهی یار من بودی و یار من نبودی

(همان، ۱۷۳)

تن و رخ به فکر

جامه بی هرشب بپوشد، آرزو پرور تنش
جامه بی، کز نازکی، گویی خیال شاعری ست

(همان، ۱۷۳)

جامه به خیال

چون تخته پاره بی که زکشتی جدا شود
از موج حادثات قراری نیافتیم

(همان، ۱۵۱).

حادثات به موج

۴- هر دو طرف عقلی: تشبیه عقلی به عقلی یعنی دو طرف تشبیه ذهنی بوده و با حواس پنجگانه قابل درک نیست. بسامد این نوع تشبیه ۱۷ بار در دیوان پژمان بختیاری می باشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقصد روشن ما مرحله صدق و صفاست

وندربین ره نشود **غول هوس** رهزن ما

(همان، ۶۰).

ای **آرزوی وصل** برون باش از دلم

تا دل زغیر دوست به یکباره بگسلم

(همان، ۱۳۷).

در دست ما نمانده **ز سرمایه حیات**

غیر از زبان بسته و روی گشاده ای

(همان)

۲- تشبیه وهمی و خیالی:

تشبیه وهمی و خیالی: در بین مشبه به های عقلی بختیاری مواردی از مشبه به های خیالی و وهمی نیز دیده می شود. تشبیهی که مشبه به آن وجود خارجی نداشته باشد تشبیه وهمی می گویند.

من که چون مژگان ز چشم روزگار افتاده ام

سینه ام لبریز گوهر بوده وز دریای عشق

(همان، ۳۳)

در صورتی که اجزا مشبه به هر کدام به تنهایی وجود خارجی داشته باشند اما صورت نهایی، برآمده از توهم و تخیل گوینده است تشبیه خیالی می گویند.

چون صدف با دست خالی برکنار افتاده ام

کیستم من؟ چیستم من؟ خسته ای دیوانه ای

(همان)

الف - ادات: ادات به کاررفته در تشبیهات پژمان بختیاری عبارتند از: چون؛ چو؛ آسا؛ همچو؛ بسان؛ ماند؛ وار و...؛ تعداد تشبیهات مرسل او از ماکد بیشتر است:

مرسل:

وحشی آسا از جهان بیگانه ماندم ای دریغ

بس که در هر محفلی بیگانه دیدم خویش را

(همان، ۵۱)

این زمین بر شاخ هستی میوه یی نا پخته است

تلخکامی ها رسد زین میوه نارس مرا

(همان)

۳- تشبیه به اعتبار مفرد؛ مقید و مرکب بودن:

اگر چه تشبیهات مفرد به مفرد پژمان بسیار بیشتر از تشبیهات مرکب اوست؛ اما وجود بیش از ۱۰۰ تشبیه مرکب و مقید نیز تعداد قابل توجهی است که بررسی آنها را ضروری می نماید. خلاقیت و ابتکار شاعری پژمان در این دسته از تشبیهات او کاملاً آشکار است. از میان بیش از ۱۰۰ مورد، تعداد انگشت شماری را می توان جزء کلیشه و تکرار قلمداد کرد. او در تشبیهات مرکب خویش نهایت ابتکار و خلاقیت خویش را به کار برده است. ویژگی این دسته از تشبیهات این است که در عین سادگی؛ دقت نظر و نگاه نو شاعر به پدیده ها را بازگو می کند.

۱- مرکب: آن است که یک مجموعه به یک مجموعه دیگر مانند شود، وجه شبه در این گونه تشبیهات استنباطی است. بسامد این نوع تشبیه ۴۴ بار در دیوان پژمان بختیاری می باشد.

همچو می در دل **مینای بلورین** پیداست

در تن خاکی ما فطرت افلاکی ما

(همان، ۶۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نرم و رقصان، لغزد اندر پشه بندی از حریر
روح پرور پیکرش، در پرنیانی بسترش

چون گلی، کش از غبار صبح نازک چادری ست
چون گلی بر سینه یی، چون آتشی بر مجمری است
(همان، ۶۹)

جامه یی هر شب بیوشد، آرزو پرور تنش
جامه یی، کز نازکی، گویی خیال شاعری ست
(همان، ۶۸)

نرم و رقصان، لغزد اندر پشه بندی از حریر
چون گلی، کش از غبار صبحگاهی چادری ست
(همان)

۲- تشبیه مفرد: تشبیه مفرد تشبیهی است که مشبه و مشبه به مفرد باشند.

عابدآسا بردمی بر تربت سعدی نماز
چو گوهی از گرانباری زمین گیرم درین وادی

کز نمازش خجلت آید زاهد غماز را
خوش آن در کوه و در صحرا به سرمستی دویذنها
(همان، ۴۹)

(همان، ۶۲)

۳- تشبیه مقید: تشبیهی است تصویر و تصور مفردی باشد که مقید به قیدی باشد که در آن مشبه یا مشبه به و یا هر دو را مقید به وصف یا اضافه و یا قید دیگری نموده باشند. شاهد در مصراع اول، کلمه احوال است که مشبه واقع شده و مقید به اضافه می باشد احوال دل - و در مصراع دوم، کلمه عاشق است که مشبه به واقع شده و مقید به وصف است. (شمیسا، ۱۳۸۷: ۷۳)

جایگاه خواب من ناظر به زیبای منظری ست
نقش رویای جوانان، خوابگاه دختری ست
(بختیاری، ۱۳۹۱: ۷)

۴- وجه شبه

آن ویژگی یا صفتی است که بین «مشبه» و «مشبه به» مشترک است. به عبارت دیگر، وجه شبه، همان ویژگی یا ویژگی های مشترک میان مشبه و مشبه به است و منظور گوینده تشبیه این است که مشبه با داشتن این ویژگی، مانند مشبه به است. «مشبه» و «مشبه به» را طرفین تشبیه می گویند و باید در تشبیه وجود داشته باشند، اما دو رکن دیگر، یعنی «وجه شبه» و «آدات تشبیه» ممکن است در تشبیه بیان نشود.

وجه شبه یا در کلام مذکور است، در این صورت، تشبیه را «مُفَصَّل» گویند و یا غیر مذکور است که در این صورت، تشبیه را «مُجْمَل» گویند.

تشبیهی که وجه شبه در آن یاد نشده باشد و ضمناً ذهن مستقیماً متوجه آن شود، بی گمان، رساتر و پُر تاثیرتر است
مفصل:

پاکدامانی اگر مایه فقرست چه غم
دولت اینست که پاکست چو گل دامن ما
(همان، ۶۰)

مجمل:

آرزوی وصل او خوابی پریشانست لیک
الفتی دارد دلم با این پریشان خوابها
(همان، ۲۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵- به لحاظ شکل:

به جز تشبیه معکوس و تفضیل؛ انواع دیگر تشبیه در اشعار پیمان بختیاری وجود دارد:

۱- جمع: یک چیز را به چند چیز تشبیه کنند. یا برای یک مشبه چند مشبه به بیاورند.

چنانم در خمار افکنده دست تنگدستیها
که پندارم خیالی بود و خوابی بود مستیها
(همان، ۵۰)

۲- مضمیر: تشبیه پنهان است که ظاهراً تشبیه نیست اما مقصود گوینده تشبیه است. در بیت زیر بوی گیسوی معشوق به شراب که شاعر را مست کرده است. بوی گیسوی خوشت ساخته سرمست مرا

بوی گیسوی خوشت ساخته سرمست مرا
مست گیسوی توام من، مده از دست مرا
(همان: ۴۳)

۳- تسویه: چند چیز را به یک چیز تشبیه می کنند. یا برای چند مشبه یک مشبه به می آورند.

دراز ست طومار انـدوه و ترسم
که آن فتنه کوتـه کند گفتگو را
(همان، ۵۷)

۴- مشروط: شباهت بین مشبه و مشبه به با شرطی همراه باشد.

دل ما با همه چون آینه پاکست ولی
شد سیه کلبه ما ز آینه روشن ما
(بختیاری، ۱۳۹۱: ۶۰)

۵- ملفوف: آوردن چند مشبه به طور جداگانه و بعد از آن مشبه به هر کدام گفته شود.

رنگی ز عشق و سینه ما دید آنکه دید
در شام تیره جلوه ماه دو هفته را
(همان، ۵۸)

۶- مفروق: چند مشبه و مشبه به وجود دارد اما هر کدام از مشبه ها با مشبه به خود همراه است.

هر چه می بینی جمیل و هر چه می خواهی جمال
با سعادت جایگاهی، با سلامت کشوری ست
(همان، ۶۸)

استعاره در شعر پیمان بختیاری

استعاره دو گونه است: مصرحه و مکنیه.

۱- استعاره مصرحه: در حقیقت رکن « مشبه به » از یک تشبیه است که پایه های دیگر آن حذف شده باشد و مراد از آن « مشبه » است. بسامد این نوع استعاره ۲۷۸ بار در دیوان پیمان بختیاری می باشد.

زندگی خواب و پریشان است و من با ساده لوحی
انتظاری بی سبب زین خواب بی تعبیر دارم

(همان، ۶۹)

خواب بی تعبیر استعاره از زندگی

امروز درین خانه مهی مهر لقا بود
ماهی که رخس مایه آساش ما بود

(همان، ۱۱۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عشق چون خیمه برافراشت به ویرانه دل

پرده خیمه فرا رفت و شهی پیدا شد

(همان، ۱۰۸)

نا شکفته غنچه یی خوش عطر و زیبا نوگلی

دختری شیرین و روشن گوهری نا سفته است

(همان، ۷۶)

استعاره مصرحه: گوهر ناسفته، غنچه نا شکفته: دختر جوان و زیبا و باکره

۱-جانا وفا و مهر تو از بهر ما کم است

یا آنکه در سرشت تو مهر و وفا کم است

۲-ما و رقیب هر دو ننگجیم در دلت

ما میرویم زانکه در این خانه جا کم است

(همان، ۷۷)

ب ۱ ← استعاره مصرحه: جانا: محبوب . معشوق

ب ۲ ← استعاره مصرحه: این خانه: دل

او ببالد که منش عاشق دلباخته ام

من بنامم که بتم در خور دلباختن است

(همان، ۷۸)

استعاره مصرحه: بت: محبوب و معشوق زیبارو

سینه پر آتش و دل پر خون است

بنگر حال اسیران چون است

(همان، ۷۸)

استعاره مصرحه: آتش، غم و اندوه شدید

گر سر بنده نوازی داری

وقتش ای جان جهان اکنون است

(همان)

استعاره مصرحه: ای جان جهان: معشوق

گفتم: مرو بجز دل من در دل کسی

گفتا که: این خرابه کجا قابل من است

(همان، ۷۸)

استعاره مصرحه مطلقه: خرابه: دل

زندگی خواب و پریشان است و من با ساده لوحی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انتظاری بی سبب زین خواب بی تعبیر دارم (پژمان بختیاری، ۱۳۹۱: ۶۹)

خواب بی تعبیر استعاره از زندگی

امروز درین خانه مهی مهر لقا بود

ماهی که رخس مایه آساش ما بود (همان، ۱۱۵).

عشق چون خیمه بر افراشت به ویرانه دل

پرده خیمه فرا رفت و شهی پیداشد (همان، ۱۰۸)

۲- استعاره مکنیه

در استعاره مکنیه مشبه ذکر می‌شود و مشبه به، حذف می‌گردد، ولی یک از ویژگی‌ها یا جزئی از مشبه به ذکر می‌شود که به واسطه آن مشبه به، شناخته شود. استعاره مصرحه و مکنیه هم در قالب جمله اسنادی و هم به شکل مضاف و مضاف الیه (ترکیب اضافی یا اضافه استعاری) می‌آید. «در استعاره مکنیه تخیلیه مشبه به که ذکر نمی‌شود در غالب موارد انسان است: دست روزگار. غریبان به این نوع personification می‌گویند که در عربی و فارسی به آن انسانوارگی، یا انسان مدار یا انسانواره یا جاندار پنداری یا جاندار انگاری و نظایر آن نیز گفت. (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۴).

به عبارت ساده تر:

استعاره مکنیه ای که مشبه به آن انسان باشد، «تشخیص، جان بخشی یا انسان پنداری» نامیده می‌شود.

نمونه های استعاره مکنیه در شعر پژمان:

از خنده شیرینت جانی به دلم دادی

وز پنجه هجرانت خون در جگرم کردی

(بختیاری، ۱۳۹۱: ۱۷۹)

هجران، استعاره از حیوان قوی و وحشی (شیر یا گرگ) است.

از خون ما هم ار شده جامی دو نوش کن

تا بگذرد زبام فلک نوشیاد ما

(همان، ۵۹).

فلک استعاره از کاخ یا خانه

دست عشقی کو که تا درهای رحمت وا کند

گر فلک بر روی ما درهای دنیا بسته است

(همان، ۷۱).

در این بیت (درهای رحمت و درهای دنیا) استعاره مکنیه (دست عشق) اضافه استعاری و تشخیص و (فلک) استعاره مکنیه و تشخیص است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خوش سلامی بر ز من آن جلوه گاه راز را

ای صبا گر بوسه دادی دامن شیراز را

(همان، ۴۹)

استعاره مکنیه: ای صبا گر بوسه دادی ...

تا به دست دل سپارم اخنبار خویش را

دست و پا بستم در اول عقل خیر اندیش را

(همان، ۵۰)

استعاره مکنیه: دست و پای عقل خیر اندیش را بستم

که مقصد چیست گردون را ازین بازی نمودنها

هزاران رنگ و نیرنگ از فلک دیدیم و حیرانیم

(همان، ۵۲)

استعاره مکنیه: مقصد گردون از این بازیها چیست.

در خوابگاه نیستی آسوده سود ما

سودی نهفته در دل هر ذره ای است لیک

(همان، ۵۹)

استعاره مکنیه (تشخیص): سود ما خوابگاه نیستی آسوده است.

هر که دورانش چو شاهین در ستمکاری گذشت

آسمانش بر فلک خواهد رساند از اعتبار

(همان، ۷۴)

استعاره مکنیه: آسمانش بر فلک خواهد رساند

وان چشم هوس ریز تو، خندان دهنی داشت

گیسوی تو، امروز پریشان سخنی داشت

(همان، ۷۵)

استعاره مکنیه: گیسوی تو امروز پریشان سخنی داشت .

۳-۷-۴ تشخیص و اضافه استعاری تشخیص:

دست زمانه روح به پاکی شکفته را

گل گفت: غم مخور که مکدر نمی کند

در گوش عشق گوهر از اشک سفته را

مارا دلی است بر کف و خوبان نمی کشند

(همان، ۵۷)

بر گردن زمانه چو دست شکسته یی

سر بار اجتماعم و بیهوده مانده ام

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان، ۱۸۲).

که پندارم خیالی بود و خوابی بود مستیها

چنانم در خممار افکنده دست تنگدستیها

(همان، ۵۲)

اضافه استعاری: دست تنگدستیها در خممار افکنده.

شب‌نم صبح خجل می شود از پاکی ما

با همه عاشقی و رندی و بیباکی ما

(همان، ۶۲)

استعاره مکنیه (تشخیص): شب‌نم صبح از پاکی ما خجل می شود

آن باغ بهشتی که چنین یاسمنی داشت

بیداد خزان، آفت پاییز میناد

(همان، ۷۵)

اضافه استعاری (تشخیص): بیداد خزان

نتیجه گیری

بسیاری از تشبیهات گسترده دیوان پیمان بختیاری ساختار آنها بیشتر به صورت گسترش یافته و ارکان تشبیه در این ساخت ، بیشتر ساخت فشرده ذکر می شود این بافت کلامی نشان می دهد که شاعر از حشو زبانی دور بوده است و رویکرد زبان هنری او بیشتر به سوی فشرده‌گی و ایجاد کلام بوده است . در مورد پژمان بختیاری باید گفت شاعر با لحنی ملایم و غمگین دارد گویی این شاعر کاری به تجدد نداشته است به همین دلیل سادگی در تشبیهات و استعاراتی که به کار برده است نیز سادگی دارد و پیچیدگی احساس نمی شود. وی در اشعار خود شکایت از معشوق و گله از او را دارد و این موضوع را در اشعار خود به مخاطب می گوید و در عین حال وی امید به وصل نیز دارد در مجموع وی در زمینه اجتماعی به انقلاب نظر داشته است و میتوان در این زمینه غزل وی را از پیشگامان غزل حماسی عصر حاضر دانست. توصیف و منظره سازی های او نیز از لحاظ دقت نظر و ریزه کاری رسا و مبتکرانه است. منظره سازی های زیبا ، نقاشی های خیال انگیز ، دیده های وسیع و عالی ترکیبات لفظی بدیع و شیرین ، یافتن پیوند صبوری و معنی کلمات و ارسال امثال ، در این کتاب به قدری با مهارت و دقت صورت گرفته است که آدمی در برابر آن به شگفت می افتد پژمان بختیاری تغزل ، وصف طبیعت ، حماسه ، زهد ، فلسفه ، عرفان کلام ، چالشهای عقیدتی و غیره و در این طریق ، همه امور و پدیدارهای ممکن را به وصف می کشد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع

۱. امیری، لیلا؛ ریاحی زمین، زهرا (۱۳۹۸). بررسی تناسب اجزای تشبیه و استعاره با موضوع در شعر فارسی. فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، دوره ۱۱، شماره ۲، ۸۳ تا ۱۰۶.
۲. بهرامی دشتکی، رضا، (۱۳۹۴). زندگی و اشعار پژمان بختیاری، چاپ اول تهران انتشارات پژمان بختیاری، حسین (۱۳۹۱). دیوان پژمان بختیاری، چاپ سوم، نشر پارسا.
۳. داود نیا، نسرین و نوروزی، محمد (۱۳۹۵). نگاهی به زندگی و سبک شعر حسین پژمان بختیاری، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، مشهد.
۴. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۳). نه شرقی و نه غربی، انسانی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۵. شمیسا، سیروس (۱۳۸۷). بیان. تهران: میترا .
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). صور خیال در شعر فارسی. تهران: نشر آگه.
۷. فخیمی فاریابی، فرناز (۱۳۹۵). بررسی استعاره و تشبیه در غزلیات خواجه کرمانی، همایش ملی ادبیات غنائی، اصفهان.
۸. کشاورزی، سودابه (۱۳۹۰). مقایسه تشبیه و استعاره در شعر دو شاعر لر زبان، همایش ملی بررسی سیر تحول ادبیات بومی لرستان (کله باد)، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی، جهاد دانشگاهی واحد استان لرستان، دوره ۱.
۹. نوروزی، جهانبخش (۱۳۷۸). زیورهای سخن (صناعات ادبی) و گونه‌های شعر پارسی، شیراز: راهگشا